

- بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید اینکه با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود..... ۱۷۹
- بابی است در بیان نام‌های نیک خدا..... ۱۸۰
- کتابی است در بیان تلاوت قرآن..... ۱۸۲
- کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن..... ۲۰۰
- کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ..... ۲۰۵
- بابی است در بیان اینکه هر کسی که نام پیغمبر نزد او برده شد، امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد..... ۲۰۷
- بابی است در بیان چگونگی درود فرستادن بر رسول الله ﷺ..... ۲۰۹
- بابی است در بیان اینکه آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ﷺ بگشاید..... ۲۱۱
- بابی است در بیان درود فرستادن بر پیغمبران و بر آل‌شان به تبعیت از ایشان - درود و سلام خدا بر ایشان باد..... ۲۱۲
- کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی..... ۲۱۵
- بابی است در بیان دعای استخاره..... ۲۱۵
- بابی است در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود.... ۲۱۷
- بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم..... ۲۱۸
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد..... ۲۲۲
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید..... ۲۲۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد..... ۲۲۵

پیامبر ﷺ شنیده است که می‌فرماید: «نزدیک‌ترین زمان پروردگار به بنده در دل آخر شب است، پس اگر توانستی از کسانی باشی که خداوند بلند مرتبه را در آن لحظه یاد می‌کنند، پس از آنان باش.»

(باب الدعاء فی جمیع ساعات اللیل کلّ لیلة رجاء أن یصادف الإجابة)

بابی است در بیان اینکه هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست به امید اینکه با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود.

خدای متعال در ماه رمضان شبی را لیلة القدر ساخت و معین نفرمود تا در همه‌ی شب‌های رمضان کوشش در طاعت بشود تا مصادف با لیلة القدر شود. در روز جمعه لحظه‌ای را برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن ساعت گردد. و در همه‌ی شب‌ها لحظه‌ای برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات شب‌ها در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف آن لحظه گردد.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: (إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ).

جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنهما می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «محققاً در شب لحظه‌ای است که هر بنده‌ی مسلمان در آن لحظه از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت بخواهد، خدا به او آن خیر را می‌دهد و این لحظه در همه‌ی شب‌هاست.»

(باب أسماء الله الحسنى)

بابی است در بیان نام‌های نیک خدا.

در کتابی که به نام: «المقصد الأسنى فى شرح أسماء الله الحسنى» نوشته‌ام همه‌ی این نام‌ها مشروحاً نوشته‌ام به آن مراجعه فرمایید.

قال الله تعالى: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾؛

«برای خدای سبحانه و تعالی بهترین نام‌هاست، شما از خدا بخواهید آنچه را که می‌خواهید به حسب همین نام‌ها تا خدا به شما بدهد آنچه را که از او می‌خواهید».

و عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ إِسْمًا، مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، إِنَّهُ وَثْرٌ يُحِبُّ الْوِثْرَ) مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا. وَ قِيلَ مَنْ عَرَفَ مَعَانِيَهَا وَ آمَنَ بِهَا وَ قِيلَ: مَنْ أَطَاقَهَا بِحُسْنِ الرَّعَايَةِ لَهَا وَ تَخَلَّقَ بِمَا يُمَكِّنُهُ مِنَ الْعَمَلِ بِمَعَانِيهَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صد تا. کسی که این نام‌های مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می‌شود. او تاک است و تاک را دوست می‌دارد». در معنی مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ: امام بخاری و بیشتر علما گفته‌اند که معنی مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا: کسی که این نام‌ها را از بر نمود. و روایتی که در صحیح است مَنْ حَفَظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ مؤید این تفسیر است. این نود و نه اسم از این قرار است:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهَيَّمِنُ،
 الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ، الْقَهَّارُ، الْوَهَّابُ، الرَّزَّاقُ، الْفَتَّاحُ، الْعَلِيمُ،
 الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، الْخَافِضُ، الرَّافِعُ، الْمُعِزُّ، الْمَذِلُّ، السَّمِيعُ، الْبَصِيرُ، الْحَكَمُ، الْعَدْلُ، اللَّطِيفُ،
 الْخَبِيرُ، الْحَلِيمُ، الْعَظِيمُ، الْغَفُورُ، الشَّكُورُ، الْعَلِيُّ، الْكَبِيرُ، الْحَفِیْظُ، الْمَغِیْثُ، الْحَسِیْبُ، الْجَلِيلُ،
 الْكَرِيمُ، الرَّقِیْبُ، الْمُجِیْبُ، الْوَاسِعُ، الْحَكِيمُ، الْوَدُودُ، الْمَجِیْدُ، الْبَاعِثُ، الشَّهِيدُ، الْحَقُّ، الْقَوِيُّ،
 الْمُتَيْنُ، الْوَلِيُّ، الْحَمِيدُ، الْمُخْصِي، الْمُبْدِي، الْمَعِيدُ، الْمُخْيِي، الْمُمِيتُ، الْحَيُّ، الْقَيُّومُ، الْوَاحِدُ،
 الْمَاجِدُ، الْوَاحِدُ، الصَّمَدُ، الْقَادِرُ، الْمُتَّقِدِرُ، الْمُقَدِّمُ، الْمُؤَخِّرُ، الْأَوَّلُ، الْآخِرُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ،
 الْوَالِي، الْمُتَعَالِ، الْبَرُّ، التَّوَّابُ، الْمُنتَقِمُ، الْعَفْوُ، الرَّؤُوفُ، مَالِكُ الْمَلِكُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،
 الْمُقْسِطُ، الْجَامِعُ، الْغَنِيُّ، الْمَغْنَى، الْمَانِعُ، الضَّارُّ، النَّافِعُ، النُّورُ، الْهَادِي، الْبَدِيعُ، الْبَاقِي،
 الْوَارِثُ، الرَّشِيدُ، الصَّبُورُ.

هذا حَدِيثُ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ إِلَى قَوْلِهِ «يُحِبُّ الْوِثْرَ» وَ مَا بَعْدَهُ حَدِيثُ حَسَنٍ رَوَاهُ
 التِّرْمِذِيُّ وَ غَيْرُهُ. قَوْلُهُ «الْمَغِیْثُ» رُوِيَ بِدَلِّهِ «الْمَقِیْثُ». وَ رُوِيَ «الْقَرِیْبُ» بِدَلِّ «الرَّقِیْبِ» وَ
 رُوِيَ «الْمَبِیْنُ» بِدَلِّ «الْمَتَيْنِ» وَ الْمَشْهُورُ الْمَتَيْنُ.

و در کتاب المقصد الأسنى فی شرح أسماء الحسنی شرح همه را نوشته ام کسی
 که بخواهد به آن مراجعه نماید.

و معنی إِنَّهُ وَثْرٌ: إِنَّهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ لَا نَظِیرَ. وَ معنی یُحِبُّ الْوِثْرَ: تَفْضِیلُ الْوِثْرِ فِی
 الْأَعْمَالِ وَ کَثِیرٌ مِنَ الطَّاعَاتِ. کلمه ی وَثْرَ به کسر واو و به فتح واو: تاک است، نه
 شریکی دارد و نه نظیری و وتر را دوست دارد، مثل قراردادن نمازها به پنج نماز.
 نماز مغرب سه رکعت. تعداد آسمانها هفت تاست، روزهای هفته هفت تا. لیلۃ القدر
 شب بیست و یکم یا بیست و هفت و غیر اینها.

(کتاب تلاوة القرآن)

کتابی است در بیان تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن بهترین اذکار است و مطلوب این است که قراءت قرآن همراه با تدبر معانی آن باشد. و برای قراءت قرآن آداب و مقاصدی است. امام نووی در این باره کتابی به نام «التبیین فی آداب حَمَلَةِ الْقُرْآن» تألیف نموده است و می‌فرماید که در کتاب اذکار مختصری از آن کتاب می‌آورد تا کسی که قصد اطلاع بیشتر دارد به کتاب تبیان مراجعه نماید. و معلوم است که امام نووی نوشته‌هایش همه از روی تحقیق است، این است که هر چه مرقوم می‌فرماید همه خلاصه و مغز مقاصد و مطالب مورد لزوم است.

(فصل) شایسته این است که بر تلاوت قرآن محافظت و مواظبت بشود، در شب و روز و در سفر و حضر. سلف صالح این امت علیهم السلام در مدت زمانی که ختم قرآن در آن می‌شود عادات‌های مختلف داشتند، گروهی از ایشان هر دو ماه یک ختم قرآن می‌خواندند. و گروهی دیگر هر ماهی یک ختم می‌نمودند. و گروهی هر روز یک ختم قرآن می‌نمودند. و جماعتی دیگر هر هشت روز یک ختم داشتند. و افرادی دیگر در هر هفت روز ختم قرآن می‌نمودند. و این ختم در هفت روز روش بیشتر سلف بود. و مردمی دیگر در هر شش روز ختمی داشتند و مردمی در هر چهار روز ختمی و بسیاری در هر سه روز ختمی داشتند و بسیاری در هر روز و شبی ختمی داشتند و جماعتی در هر روز و شبی دو ختم قرآن می‌نمودند و کسانی در هر روز و شبی سه ختم قرآن داشتند. و بعضی از ایشان در یک روز و شب هشت ختم قرآن می‌نمودند، چهار ختم در روز و چهار ختم در شب. و از این جمله است ابن الکاتب صوفی و این بیشترین مقداری است که به ما رسیده است. و سید جلیل احمد دورقی به اسناد

خود از منصور بن زاذان بن عباد تابعی رضی الله عنه روایت نمود که او میان ظهر و عصر یک ختم می نمود و میان مغرب و عشاء نیز یک ختم می نمود و در ماه رمضان میان مغرب و عشاء دو ختم قرآن می نمود. و در آن ایام نماز عشاء را به تأخیر می خواندند تا یک ربع شب بگذرد. و ابن ابی داؤد به اسناد خود از مجاهد رضی الله عنه روایت نمود که مجاهد در ماه رمضان میان مغرب و عشاء یک ختم قرآن می نمود. اما مردمی که قرآن را در یک رکعت ختم می کردند، بی شمارند. از آن جمله است عثمان بن عفان خلیفه سوم و تمیم داری و سعید بن جبیر. و در حقیقت به حسب اشخاص اختلاف پیدا می کند. بنابراین کسی که از خواندن به تأتی و آهستگی فهم کامل برایش دست می دهد مقداری از قرآن بخواند که به خوبی آنچه را که می خواند فهم کند. و همچنان کسانی که مشغول نشر علم هستند و کسانی که داوری میان مردم و فصل دعاوی دارند و کسانی که مهمّات دین و مصالح عامّه ی مسلمین به عهده دارند، باید اکتفاء کنند به مقداری از قراءت قرآن که برایشان میسر می شود و به وظیفه شان خلل نمی رساند. اما کسی که از این جمله نیست و کاری از مهمّات دین و مصالح مسلمین به عهده ندارد باید کوشش کند که هر چه بیشتر قراءت قرآن داشته باشد، به شرط اینکه کاری نکند که از شتاب در قراءت به قول عوام و زاور بخواند و نه فهمی از معنی و نه نصیبی از تقوی بیابد که چنین قراءتی مکروه می شود، برای اینکه مخارج حروف حفظ نمی کند و از استفاده ی معنوی محروم می ماند. و جماعتی از علما ختم قرآن در یک روز و شب را مکروه دانسته اند و حدیث زیر دلالت بر صحت نظر ایشان می دهد:

مَا رَوَيْنَاهُ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النَّسَائِيِّ وَ غَيْرِهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ).

(فصل) فصلی است در بیان وقت‌های برگزیده برای خواندن قرآن.

بدان که بهترین قراءت قرآن قراءتی است که در نماز باشد و مذهب امام شافعی و افرادی دیگر از علما رحمهم الله تعالى این است که قیام نماز را طولانی کردن به قراءت قرآن بهتر است از طولانی کردن سجود و غیر آن. و اما قراءت قرآن در غیر نماز، پس بهترین آن قراءت قرآن در شب است و نیمه‌ی آخری شب برای قراءت قرآن بهتر است از نیمه‌ی اول شب. و محبوب است قراءت قرآن میان مغرب و عشاء. و اما خواندن قرآن در روز، پس بهترین وقت آن بعد از نماز صبح است. و هیچ وقت قراءت قرآن مکروه نیست، حتی در اوقات مکروه بودن نماز نیز قراءت قرآن کراهتی ندارد. و اما آنچه ابن ابی داؤد رحمته الله روایات نموده است از معاذ بن رفاعه رحمته الله که مشایخ قراءت قرآن بعد از عصر را مکروه می‌دانسته‌اند و می‌گفته‌اند: قراءت بعد از عصر قراءت یهود است، گفتاری است غیر مقبول و بی پایه که اصلی ندارد. و از بین روزها روزهای جمعه و دوشنبه و پنج شنبه و روز عرفه از اوقات برگزیده محسوب می‌شود. و روزهای ده گانه‌ی اول ذیحجه و ده روز اخیر ماه مبارک رمضان از اوقات برگزیده برای قراءت قرآن است. و از بین ماه‌ها ماه مبارک رمضان ماه برگزیده برای قراءت قرآن است.

(فصل) فصلی است در بیان آداب ختم قرآن و آنچه تعلق به آن دارد.

پیش از این گفتیم کسی که به تنهایی قرآن را می‌خواند بهتر است که ختم او در نماز باشد. اما کسی که ختم قرآن را در غیر نماز می‌نماید و جماعتی که جمع می‌شوند برای ختم قرآن، مستحب است که ختم کردن شان در اوّل روز یا اوّل شب باشد، چنانکه پیش از این گذشت. و مستحب است که روز ختم قرآن روزه باشد، مگر در صورتی که روز ختم قرآن شرعاً روزه رفتن در آن ممنوع باشد، مثل روز عید و ایام التشریق. و به ثبوت رسیده است از طلحة بن مصرف و المسیب بن رافع و

حبیب بن اُبی ثابت که هر سه از تابعین و از اهل کوفه بوده‌اند رحمهم الله اجمعین که روزی که می‌خواستند در آن روز ختم قرآن نمایند آن روز را روزه می‌گرفتند. و مستحب است حاضر شدن در مجلس ختم قرآن برای کسی که قرآن می‌خواند و برای کسی که قراءت قرآن نمی‌تواند: فقد رَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِينَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ الْحَيَّضَ بِالْخُرُوجِ يَوْمَ الْعِيدِ فَيَشْهَدْنَ الْخَيْرَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ: رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دستور فرمود به بیرون رفتن زنان قاعده از خانه و رفتن به مصلى برای مشاهده نماز عید و شنیدن دعای خیر مسلمانان. با اینکه زنان قاعده نماز نمی‌خوانند، اما در محل نماز و دعای مسلمین شرکت می‌کنند تا برکت آن به ایشان هم برسد.

وَرَوَيْنَا فِي مُسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَجْعَلُ رَجُلًا يَرِاقِبُ رَجُلًا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَ أَعْلَمَ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَيَشْهَدُ ذَلِكَ. عبدالله بن عباس رضی الله عنهما وقتی می‌دانست که کسی نزدیک به ختم کردن قرآن است، شخصی را می‌گماشت تا او را زیر نظر بگیرد تا هر وقت دید نزدیک به ختم قرآن رسیده است ابن عباس را خبر کند و در مجلس ختم قرآن و دعای آن شرکت می‌کرد.

و روی ابن اُبی داؤد باسنادین صحیحین عَنْ قَتَادَةَ التَّابِعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ صَاحِبِ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ جَمَعَ أَهْلَهُ وَدَعَا. انس بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وقتی که قرآن را ختم می‌کرد اهل و بستگان خود را جمع می‌کرد و دعا می‌نمود برای سلامتی و سعادت خود و بستگان و عموم مسلمانان.

و روى بأسانيد صحيحة عَنْ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيْبَةَ التَّابِعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ قَالَ أُرْسِلَ إِلَى مُجَاهِدٍ وَعَبْدَةَ بْنِ أَبِي لُبَابَةَ فَقَالَا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْكَ لَأَنَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْتِمَ الْقُرْآنَ وَالدَّعَا يَسْتَجَابُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ.

حکم بن عتیبہ تابعی جلیل می‌گوید که مجاهد و عبده بن ابی لبابه کسی را فرستادند نزد من تا پیش ایشان بروم، وقتی که رفتم نزد ایشان فرمودند ما تو را دعوت کردیم که نزد ما بیایی برای اینکه می‌خواهیم ختم قرآن نماییم و دعا موقع ختم قرآن مستجاب است. یعنی تا از این ختم و دعا نصیبی ببری.

و فِي بَعْضِ رَوَايَاتِ الصَّحِيحَةِ: وَ أَنَّهُ كَانَ يَقَالُ: إِنَّ الرِّحْمَةَ تَنْزِلُ عِنْدَ خَاتَمَةِ الْقُرْآنِ: رَحْمَتٌ نَازِلٌ مِثْلُ مَوْقِعِ خَتْمِ الْقُرْآنِ.

و روى بإسناده الصَّحِيحِ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: كَانُوا يَجْتَمِعُونَ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ يَقُولُونَ تَنْزِلُ الرِّحْمَةُ: سَلَفُ مَوْقِعِ خَتْمِ الْقُرْآنِ اجْتِمَاعٌ مِثْلُ مَوْقِعِ خَتْمِ الْقُرْآنِ رَحْمَتُ خُدا نَازِلٌ مِثْلُ مَوْقِعِ خَتْمِ الْقُرْآنِ.

(فصل) و دعا نزد ختم قرآن مستحب است، استحباب متأكد و شدید، به دلیل آنچه یاد کردیم از احادیث و آثار.

و رَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ حَمِيدِ الْأَعْرَجِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ عَادَ أَمَّنَ عَلَى دَعَائِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٌ: كَسَى كَقَرَّانٍ خَوَانِدٍ وَ بَعْدَ از خَوَانِدِنِ قَرَّانِ دَعَا كَرْدَ چَهَارِ هَزَارِ فَرَشْتَهٗ بَرِ دَعَايِ او آمین می‌گویند. و شایسته است که در دعا پافشاری نماید و به آن ادامه دهد و دعایی که می‌کند راجع به کارهای مهم و با کلمه‌های پرمغز باشد. و بیشتر آن در امور آخرت و امور مسلمین و صلاح رهبران مسلمین و ولات

امورشان و توفیق مسلمین در طاعت خدا و نگه‌داریشان از نافرمانی خدا و درباره‌ی همدستی‌شان در نکوکاری و تقوی و ایستادن به اجرای حق و وحدت کلمه و پیروزی‌شان بر دشمنان دین و همه‌ی مخالفین باشد. امام نووی در کتاب «آداب القراء» دعاهاى مختصر و جامع مقاصد خیر آورده است تا کسی که بخواهد از آن کتاب بگیرد. و مستحب است وقتی که ختمی را به آخر رسانید شروع به قراءت قرآن برای ختم دیگر نماید. سلف صالح همین روش را دوست می‌داشته‌اند که ختم قرآن متصل به هم باشد. و دلیل‌شان حدیث انس رضی الله عنه است: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحُلُّ وَالرَّحْلَةُ، قِيلَ وَمَا هُمَا؟ قَالَ أَفْتِتَاحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ). رسول الله ﷺ فرمود: «بهترین اعمال ختم قرآن و شروع مجدد برای قراءت قرآن و ختم دیگر است».

(فصل) راجع به کسی که به خواب رفت و حزب قراءت و کار همیشگی خود را در قراءت و ذکر در شب از دست داد:

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ).

«رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که به خواب رفت از حزب یا از بعضی از آن در شب و آن را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند ثواب آن برای او نوشته می‌شود چنانکه آن را در شب خوانده باشد».

(فصل) در امر به تعهد قرآن و ادای قراءت آن و پرهیز کردن از اینکه به سبب

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ هُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عَقْلِهَا).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «این قرآن را مورد تعاهد و مواظبت بر قرائت آن قرار دهید، قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، قرآن فراموش کردن و از دست دادن آن آسان است و حفظ آن از فراموشی سخت تر است از حفظ شتر در پای بندش». کسانی که قرآن حفظ کرده و از بر دارند می دانند که اگر مدت اندکی بگذرد و تلاوت نکنند به حفظشان لطمه می خورد، بنابراین مداومت بر قرائت قرآن ضرورت دارد.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ الْإِبِلِ الْمُعْقَلَةِ إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أُمْسَكَهَا وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مثال کسی که قرآن از بر دارد، مثال شترهایی است که پای بند بر پاهای آنهاست، اگر صاحبان شترها مواظبت بر آنها کردند و در عقال و پای بند نگاهشان داشتند، شترهای خود را حفظ می کنند و چنانچه شتران را بدون پای بند به حال خود رها کردند از دست می روند». همچنان حافظان قرآن، اگر همیشه قرآن بخوانند حفظ قرآن در ذهنشان می ماند، اگر از خواندن قرآن غفلت کردند قرآن از ذهنشان بیرون می رود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (عُرِضَتْ عَلَيَّ أَجُورُ أُمَّتِي حَتَّى الْقَذَاةِ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَ عُرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَكْبَرَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أَوْتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا) تَكَلَّمَ التِّرْمِذِيُّ فِيهِ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «نشان من داده شد ثواب هایی که به امتم می رسد، حتی

خار و خاشاکی که شخص از مسجد بیرون می‌برد تا به کسی آزاری نرسد و نشان من داده شد گناهان امتم، ندیدم گناهی بزرگ‌تر از گناه کسی که سوره‌ای از قرآن به او داده شده و فراموش کرد».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ مُسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَ لَقَى اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْزَمًا).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که قرآن آموخت پس از آن قرآن خواندن را فراموش کرد، روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، به صورت شخص مجذوم است که شکل او را قبیح نموده است».

(فصل) در بیان مسایل و آدابی که شایسته‌ی قاری قرآن است به آن‌ها توجه کند. و این مسایل و آداب خیلی بسیار است و در این جا قسمتی از آن‌ها را یاد می‌نماییم و دلایل آن‌ها را نمی‌آوریم، برای اینکه مشهور است و نیازی به آوردن دلایل آن‌ها نیست و آوردن آن دلایل باعث طولانی شدن و ملال و خستگی است. نخستین چیزی که قاری قرآن به آن امر می‌شود اخلاص و یکرنگی است که قاری باید قصدش از قراءت قرآن به دست آوردن رضای خدا باشد و هیچ قصد دیگری نداشته باشد، بنابراین قاری باید ادب در برابر قرآن داشته باشد و با حضور قلب بخواند و به دل آورد که قصدش مناجات با پرودگار است و قرآن که می‌خواند طوری بخواند که گویا خدا را می‌بیند. اگر او خدا را نبیند بداند که خدا او را می‌بیند.

(فصل) و شایسته است برای کسی که می‌خواهد قرآن را بخواند اینکه دهان و دندان را تمیز نگه دارد. و مسواک بهتر است از چوب اراک و خوشبو باشد. و مسواک زدن به چیزهای دیگری که دهان و دندان را پاکیزه کند نیز جایز است و شستن دهان و دندان به انگشت در آن سه قول است. مشهورترین اقوال به انگشت اگر چه

خشن باشد کفایت نمی‌کند. قول دوم کفایت می‌کند. قول سوم اگر چیز دیگر نیست انگشت خشن و زبر کفایت می‌کند. و اگر وسیله‌ی دیگری هست انگشت کفایت نمی‌کند. و مسواک زدن به پهنای دندان و ابتداء از طرف راست دهان باشد. و با مسواک زدن نیت نماید که ادای سنت می‌نماید. بعضی از علما گفته‌اند: موقع مسواک زدن بگوید: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و مسواک می‌زند به ظاهر دندان‌ها و باطن دندان‌ها و بر زبان و سقف حلق به نرمی. اگر دهان به خون پلید شد قراءت قرآن در این حالت مکروه است، اما آیا حرام است با دهان نجس قرآن خواند یا نه؟ قول اصح این است که مکروه است و حرام نیست و این کراهت تحریمی است، اجتناب آن اولی می‌باشد. و این مبحث توضیحی دارد که در فصل‌های اول این کتاب یاد شد و نیاز به تکرار آن نیست. واللّٰه اعلم.

(فصل) شایسته است که قاری، قرآن را به تدبیر و فهم کردن و حضور قلب و خشوع بخواند که مقصود از قراءت همین است و انشراح صدر به آن حاصل می‌شود و دل به آن روشن می‌گردد. و دلایل خواندن با تدبیر و فهم و با حال خشوع بیشتر از آن است که به شمار آید و مشهورتر از آن است که یاد شود. و گروهی از سلف در خواندن یک آیه شب را به صبح می‌آوردند. و گروهی موقع شنیدن آیه‌ای طوری در آنان تاثیر کرد که فریاد برآوردند و مردند. و گروهی از تاثیر آیاتی جان سپردند، برای اینکه با حضور قلب و فهم و خشوع می‌خواندند. و مستحب است گریستن موقع تلاوت قرآن و اگر نتواند بگرید، خود را گریان نشان دهد. برای اینکه گریستن موقع تلاوت قرآن شعار عباد الله الصالحین است. چنانکه خدای متعال فرمود:

﴿وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَثْكُونَ وَيزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾؛ «و می‌افتند بر روی برای سجود در حالی که گریانند و گریستن بر خشوع‌شان می‌افزاید». امام نووی رحمته الله در کتاب «التبیان فی آداب حملة القرآن» بسیاری از آثار صالحان را یاد نموده است.

قال السيد الجليل صاحب الكرامات و المعارف و المواهب، ابراهيم الخواص رحمته الله: دواء القلب خمسة أشياء: قراءة القرآن بالتدبر. و خلاء البطن و قيام الليل و التضرع عند السحر و مجالسة الصالحين.

آقای با شکوه و بزرگوار، صاحب کرامات و مراتب خداشناسی و مواهب الهی، ابراهیم خواص رحمته الله فرمود: دوی دل در پنج چیز است: خواندن قرآن از روی فهم و تدبر و خالی بودن شکم و شبخیزی و نماز تهجد خواندن و تضرع و گریه و زاری در وقت سحر و همنشینی با صالحان.

قرآن وقتی سودمند است که قاری بداند کلام کیست و مقصود او چیست. و آن کسی که قرآن کلام اوست آفریدگار همه و دانا به نهان و آشکار همه و مالک زندگی و مرگ همه و سرنوشت همه در دست اوست. این قرآن که پیام سعادت دو جهان است بر بنده و پیغمبر خاتمش نازل فرمود تا روح پیروان قرآن را به تلاوت آن شاد فرماید و دل‌های قرآن‌خوانان را به نور قرآن روشن گرداند و سرپای وجودشان به محبت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله منور گرداند. برای چنین فهمی شکم خالی لازم است تا بتواند ساعت‌ها در قیام و قعود و رکوع و سجود روان خود را بر استقامت استوار سازد. به قول سعدی:

اندرون از طعام خالی دار تا در آن نور معرفت بینی
تو کجا نور معرفت توانی دید که پری از طعام تا بینی

و توانایی برگرسنگی و شکم خالی کسانی دارند که سحرگاه در نماز تهجد به راز و نیاز با پروردگار مشغولند.

شب مردان خدا روز جهان افروز است

صالحان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

و به دست آوردن چنین نعمت‌هایی از همنشینی با صالحان به دست می‌آید.

(فصل) خواندن قرآن از رو بهتر از خواندن از حفظ است: برای اینکه دست‌ها قرآن را حمل می‌نماید و چشم‌ها حروف قرآن را می‌بیند علمای ما چنین فرموده‌اند، ولیکن باید دانست که اگر با از بر خواندن دل در آن بیشتر حاضر می‌شود و فهم و تدبیر قراءت بیشتر به دست می‌آید از بر خواندن بهتر است، اما اگر از بر خواندن و از رو خواندن یکسان باشند، از رو خواندن بهتر است. و هر چه بیشتر اعضای بدن در طاعت به کار آید، بهتر است. وقتی که انسان به نماز می‌ایستد پاها در طاعت هستند، برای اینکه بدن را حمل کرده‌اند. دست‌ها در طاعت هستند، برای اینکه برای تکبيرة الإحرام بالا رفته‌اند و یا بر سینه بر هم نهاده شده‌اند. چشم‌ها در طاعت هستند که به سجده‌گاه می‌نگرند. دل در طاعت است که آماده خشوع شده است. اگر نیت را به زبان بیاورد، زبان به گفتن و گوش به شنیدن در طاعت حاضر می‌شوند. بعضی از روی بی‌دانشی می‌گویند: نیت نمی‌خواهد. اولاً حدیث متفق علی صحته و قریب به تواتر: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» است که می‌رساند هیچ عملی بدون نیت صحیح نیست. دیگر اینکه موقع نیت دل حاضر می‌شود و استحضار عظمت خدای تعالی به بار می‌آورد. و نیت است که عمل را خالص می‌سازد. و نیت است که مراتب عبادت را از هم جدا می‌سازد و نیت فرض و نیت سنت و نیت ادا و نیت قضا و نیت منفرد و نیت با جماعت همه به نیت حاصل می‌شود. اما تکبیر گفتن بدون نیت نه اخلاصی به همراه می‌آورد نه استحضار عظمت خدا فراهم می‌شود، نه شرمساری از تقصیر در طاعت به یاد می‌آید. بیچاره مردمی که به سبب بی‌سوادی از بسیاری از مزایا محروم می‌گردند.

(فصل) روایات بسیاری آمده است در فضیلت بلند کردن آواز به قراءت قرآن. و روایات بسیاری آمده است به فضیلت آهسته کردن آواز به قراءت قرآن. علما گفته‌اند راه جمع میان این دو گفتار این است که آهسته خواندن دورتر است از ریا، بنابراین

کسی که از ریا می‌ترسد، آهسته خواندن برای او بهتر است. و کسی که از ریا نمی‌ترسد و می‌داند که در عملش ریا داخل نمی‌شود به آواز بلند خواندن برای او بهتر است، به شرط اینکه بلند خواندنش مایه‌ی تشویش نمازگزاری نشود و شخصی را که به خواب است ناآرام نکند. کودکی که در گهواره است بیدار نسازد. بیماری که استراحت نموده راحتش را از بین نبرد. اگر هیچ یک از این مسایل نیست با آواز بلند خواندن قرآن بهتر است، برای اینکه دیگری می‌شنود و از قرائت او استفاده می‌کند. دل قاری را بیدار می‌سازد و فکرش را جمع می‌کند. خواب را از چشم بیرون می‌کند و نشاط را می‌افزاید و دیگری که غافل است به قرائت تشویق می‌نماید و هرگاه یکی از این مقاصد باشد خواندن قرآن با آواز بلند بهتر است. و مقصود از آواز بلند آواز به حسب عرف است نه اینکه مانند مؤذن صدا را بلند کند.

(فصل) و مستحب است قرآن را با آواز خوش خواندن و آواز را به قرائت قرآن زیبا نمودن به شرط اینکه به صورت نغمه‌خوانی نباشد و زیاد و کم کردن حرفی به بار نیاورد. اما قرائت قرآن به صورت آوازخوانی و کشیدن زیاد حرف و تمطیط و تردید بسیار و به حدّ افراط حرام است و در صورتی که به حدّ افراط نباشد حرام نیست. آواز خوش نعمتی بزرگ است، روح را تغذیه می‌نماید و شوق عمل به قرآن را در دل‌ها زنده می‌گرداند. اما آواز ناخوش به قول سعدی علیه الرحمه:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی

(فصل) و مستحب است برای قاری قرآن که ارتباط آیات قرآن را از هم قطع نکند. ابتدا قرائت به آیه‌ای نماید که در آغاز مقصد قرار دارد و پایان قرائت و محل وقف قرائت را در محلی از آیات قرار دهد که با آیات بعدی مرتبط نباشد. و هیچ وقت خود را مقید به اول جزء یا اول حزب ننماید، برای اینکه چه بسیار آیه‌ی اوّل جزء مربوط به آیه‌های قبل است و ابتدا با آن مطالب آیات را از هم قطع م‌نماید.

و قرآن را به سی جزء تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد ماهی یک ختم نماید هر روز یک جزء بخواند، امّا آیه‌های قبل از آن که مربوط به آن است ترک ننماید. و قرآن را به شصت حزب تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد در دو ماه یک ختم قرآن نماید هر روز یک حزب بخواند، امّا آیه‌های قبلی که مربوط به اول حزب است فراموش نکند. و قرآن را به هفت منزل تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد قرآن را در یک هفته ختم نماید هر روز یک منزل بخواند. و هر جزء به چندین رکوع قسمت کرده‌اند تا در نماز تراویح در هر رکعتی یک رکوع بخواند. و باز هم باید ارتباط آیات را فراموش نکند. و تقسیم به رکوع برای حفظ قرآن است که اگر کسی هر روز یک رکوع حفظ نماید در دو سال قرآن را حفظ می‌کند.

الحاصل، همیشه رعایت معانی آیات و ارتباط جمله‌ها را حفظ نماید و غِره نشود که مردم چه می‌کنند. به قول فضیل بن عیاض رحمة الله علیه: أَسْلَكُ طَرِيقَ الْهُدَى وَ لَا يَضُرُّكَ قَلَّةُ السَّالِكِينَ. وَ لَا تَسْلُكُ طَرِيقَ الْغَوَاءِ وَ لَا يَغُرُّكَ كَثْرَةُ الْهَالِكِينَ: «راه راست بگیر و زیانی نمی‌بینی از اندکی راست روان و بیرهیز از راه گمراهی و تو را نفریبند بسیاری هلاک شوندگان». روی این اصل علما گفته‌اند: خواندن یک سوره‌ی کامل بهتر است از برابر آن خواندن از سوره‌ی بزرگتر، برای اینکه ارتباط آیات به همدیگر بر بسیاری از مردم پنهان می‌ماند.

(فصل) از جمله بدعت‌های زشت است عمل بعضی از ائمه‌ی مساجد که در نماز تراویح سوره‌ی انعام را به تمامی در رکعت آخری می‌خوانده‌اند به این ادّعا که سوره‌ی انعام از اوّل تا به آخر همراه هم نازل شده است و در این عمل چند منکر است: یکی عقیده به سنّت بودن آن. دوم تطویل رکعت دوم بر رکعت اولی. سوّم طولانی کردن آن رکعت بر نمازگزاران. چهارم به سرعت خواندن و حق آیات را به جای نیاوردن که هر کدام بدعتی است.

(فصل) درست است گفتن سوره‌ی بقره. سوره‌ی آل عمران. سوره‌ی نساء. سوره‌ی عنکبوت و همچنین باقی سوره‌ها و همین معتمد است و بعضی از سلف می‌گفته‌اند: السورة التي تُذَكَّرُ فيها البقرة. السورة التي تذكر فيها النساء و این قول غیر معتمد است. برای اینکه قول اولی قول جماهیر علمای مسلمین است از سلف و خلف. احادیثی که در این خصوص از رسول الله ﷺ آمده است بیش از آن است که شمرده شود. و همچنین درست است گفتن اینکه این قراءت اُبی عمرو است. این قراءت ابن کثیر است. این قراءت عاصم است، چنانکه عمل سلف و خلف بر آن است بدون انکار آن. و از ابراهیم نخعی رحمته الله آمده است: كانوا يكرهون سنة فلان و قراءة فلان. اما مورد اعتماد نیست. و صحیح همان گفتار جمهور علما بر جواز آن است.

(فصل) بدان که همه‌ی آداب قراءت و قاری را نمی‌توان در کمتر از چندین جلد آورد. ولیکن قصد ما اشاره بر بعضی از مقاصد پر اهمیت آن‌هاست که در این فصل‌ها مختصر بیان نمودیم. و در فصل‌هایی که در اوّل کتاب گذشت از آداب ذاکر و قاری و در اذکار نماز جمله‌هایی از آداب متعلق به قراءت قرآن یاد شد. و برای اطلاع بیشتر ارجاع نمودیم به کتاب «التبیان فی آداب حملة القرآن» کسی که معلوماتی بیشتر در این زمینه بخواهد به آن کتاب مراجعه نماید. و بالله التوفیق و هو حسبی و نعم الوکیل: توفیق از خداست و اوست که کفایت کننده من است و خدای عزوجل چه خوب کفایت کننده و نگه‌دارنده است.

(فصل) مکروه است که بگوید: نَسِيتُ آيَةَ كَذَا: فراموش کردم فلان آیه را، بلکه بگوید: اُنْسِيتُ آيَةَ كَذَا. اَوْ كُنْتُ اَسْقَطْتُ آيَةَ كَذَا. به فراموشی افتاده بودم از فلان آیه. یا فلان آیه را انداخته بودم.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِم عَنْ ابْنِ مَسْعُود رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم:
(لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ نَسِيتُ آيَةَ كَذَا وَكَذَا بَلْ هُوَ أَنْسَى)؛

«نباید یکی از شما بگوید فراموش کردم آیهی فلانی را، بلکه به فراموشی انداخته شده است از فلان آیه».

وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحَيْنِ أَيْضًا: (بِئْسَمَا لِأَحَدِهِمْ أَنْ يَقُولَ نَسِيتُ آيَةَ كَيْتَ وَكَيْتَ بَلْ هُوَ نُسِيَ)؛ «چه بد چیزی است که یکی از ایشان بگوید: فلان آیه را فراموش کردم، بلکه او به فراموشی انداخته شده است».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ فَقَالَ:
(رَحِمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي آيَةً كُنْتُ أَسْقِطُهَا). وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ (كَنْتُ أَنْسِيْتُهَا).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شنید از مردی که قرآن می خواند. آنگاه فرمود: «خدا بیامرزد او را که به یاد من آورد آیه ای را که آن را انداخته بودم». و در روایتی در صحیح «از آن به فراموشی افتاده بودم».

(فصل) بدان که قراءت قرآن مؤکدترین اذکار است، چنانکه پیش از این گفتیم و بنابراین شایسته است مداومت بر قراءت قرآن تا هیچ روز و شبی بدون قراءت قرآن نگذراند. و اصل قراءت حاصل می شود به خواندن اندکی از آیات قرآن.

وَقَدْ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: (مَنْ قَرَأَ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِمِائَةَ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در روز و شبی پنجاه آیه از قرآن را بخواند او از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود و کسی که در روز و شبی یکصد آیه را بخواند او نوشته می‌شود از عبادت‌کاران و کسی که دویست آیه را بخواند، قرآن در روز قیامت با او دشمنی نمی‌کند و کسی که پانصد آیه را بخواند نوشته می‌شود برای او اجر بسیار». و در روایتی: (مَنْ قَرَأَ أَرْبَعِينَ آيَةً) بَدَلَ «خَمْسِينَ»: «و کسی که چهل آیه را خواند» به جای پنجاه آیه. و در روایتی: (عشرین)؛ «کسی که بیست آیه را خواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود». و فی روایة عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ). رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در روز و شبی ده آیه از قرآن را بخواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود».

و در این باب احادیث بسیار آمده است، مانند همین احادیثی که روایت شد. و روایت احادیث بسیار داریم درباره‌ی کسی که یک سوره را در روز و شبی خواند. از آن جمله است کسی که سوره‌ی یاسین را برای به دست آوردن رضای خدا در روز و شبی خواند گنااهش آمرزیده می‌شود. و در روایتی کسی که سوره‌ی دخان را در شبی بخواند، وقتی که صبح می‌شود گنااهش آمرزیده شده است و در روایتی از ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ است که گفت: «از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «کسی که سوره‌ی واقعه را در هر شب بخواند دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود».

و عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَنَامُ كُلَّ لَيْلَةٍ حَتَّى يَقْرَأَ الْم تَنْزِيلًا وَ تَبَارَكَ الْمَلِك). «رسول الله ﷺ هیچ شبی نمی‌خوابید تا اینکه اول سوره‌ی الم السجدة و سوره‌ی تبارک الذي بیده الملك را بخواند».

و عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ، كَانَتْ لَهُ كَعْدُلٍ نِصْفِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَ: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، كَانَتْ لَهُ كَعْدُلٍ رُبْعِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، كَانَتْ كَعْدُلٍ ثُلُثِ الْقُرْآنِ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که سوره‌ی إذا زلزلت را در شبی بخواند برای او برابر قراءت نصف قرآن ثواب است و کسی که سوره‌ی قل یا ایها الکافرون را بخواند برای او به قدر ثواب قراءت ربع قرآن ثواب نوشته می‌شود و کسی که سوره‌ی قل هو الله احد را در شبی بخواند به قدر خواندن ثلث قرآن ثواب دارد».

و در روایتی دیگر کسی که آیه الکرسی و سوره‌ی غافر را بخواند در آن روز از هر بدی ننگه داشته می‌شود. و احادیث دربارہ‌ی آنچه یاد کردیم بسیار است و اشاره به مقاصد آنها نمودیم. و خدای متعال داناتر است به آنچه صواب و درست است و برای اوست ستایش‌ها و به فضل او حاصل می‌شود توفیق بر طاعت و دوری از معصیت.

کتاب حمد الله تعالى

کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن.

قال الله تعالى: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا﴾: «و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد». وقال تعالى: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾: «اگر سپاس نعمت‌های پروردگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما». وقال تعالى: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلا تَكْفُرُونَ﴾: «مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم و سپاس نعمت‌هایم را به جا آورید و ناسپاسی نکنید».

و آیات قرآن که امر می‌فرماید به حمد و ستایش و شکر و سپاس خدا و بیان می‌فرماید فضل و ثواب آن‌ها بسیار است و همه معروف و شناخته شده است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ وَمسند أَبِي عَوَانَةَ الاسفرائینی المخرّج علی صحیح مسلم رحمهم الله عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: (كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کار با اهمیتی که آغاز آن حمد و ستایش خدا گفته نشود آن کار از هر خیر و برکتی بریده شده است». و فی روایة: (بِحَمْدِ اللَّهِ). و فی روایة: (بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ) و فی روایة: (كُلُّ كَلَامٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ)؛ «هر سخنی که آغاز آن به الحمد لله شروع نشود آن کار خوره خورده و بی‌برکت است». و فی روایة: (كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَقْطَعُ)؛ «هر کار مهمی که آغاز آن به بسم الله الرحمن الرحيم نباشد هیچ خیر و برکتی ندارد».

ما روایت الفاظ این احادیث که یاد شدند همه از کتاب اربعین حافظ عبدالقادر رهاوی نقل نموده‌ایم و این روایات موصول آمده با ذکر صحابی و مرسل آمده بدون ذکر صحابی. و روایت موصول آن اسنادش خوب است. و قاعده است وقتی که حدیثی موصول و مرسل روایت شد حکم برای روایت موصول است نزد جمهور علما، برای اینکه موصول زیادة الثقة است و آن نزد جماهیر علما مقبول است. و معنی امر ذی بال یعنی حالتی دارد که به آن اهمیت داده می‌شود. و معنی أقطع: ناقص و قليل البركة. و أجزم: هم به همین معنی است. علما فرموده‌اند: مستحب است که هر طالب و هر مدرّس و هر خطیب و هر خاطب یعنی خواستگاری کننده‌ی زن و هر مصنّف کتاب پیش از هر کار مهمی بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين را بگویند. امام شافعی رحمته الله فرمود: دوست می‌دارم که هر شخص در جلو خطبه‌اش و هر کاری که می‌طلبد حمد خدای تعالی و ثناء بر ذات پر عظمت او و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و آل و اصحابش را مقدّم بدارد.

(فصل) بدان که بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ثنای پروردگار عظیم در ابتدای هر کار مهم مستحب است، چنانکه بیان شد و همچنان بعد از فراغت از خوراک و آشامیدن آب و بعد از عطسه و موقع خواستگاری زن و موقع همبستری و موقع عقد نکاح و بعد از بیرون آمدن از مستراح در همه‌ی این احوال حمد پروردگار مستحب است. و بیان این مسایل هر کدام در باب مخصوص آن با ذکر دلایل آن و تفریع مسایل آن می‌آید ان شاء الله تعالی. و مستحب است در ابتدای کتاب‌هایی که تألیف می‌شود و در ابتدای تدریس مدرّسین و ابتدای قراءت طلاب بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ستایش پروردگار باشد، خواه قراءت و درس تفسیر یا حدیث یا فقه باشد یا غیر این‌ها و بهترین عبارت حمد در همه‌ی آنچه بیان شد کلمه‌ی الحمد لله رب العالمين است.

در صحیح مسلم از ابو هُرَیْرَةَ رضی الله عنه روایت داریم که در شب اسراء و معراج دو کاسه برای رسول الله صلی الله علیه و آله آورده شد: یکی خمر داشت، یکی شیر. رسول الله صلی الله علیه و آله کاسه‌ی شیر را اختیار نمود، جبرئیل فرمود: ستایش خدای را که تو را هدایت به فطرت فرمود، اگر کاسه‌ی خمر گرفته بودی امتت گمراه می‌شد.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: فَمَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَعَ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ. وَالْأَحَادِيثُ فِي فَضْلِ الْحَمْدِ كَثِيرَةٌ مَشْهُورَةٌ وَقَدْ سَبَقَ فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ جُمْلَةٌ مِنَ الْأَحَادِيثِ الصَّحِيحَةِ فِي فَضْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ.

تفسیر حدیث: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی که فرزند بنده‌ای در گذشت، خدای متعال به ملائکه‌اش می‌فرماید: جان فرزند بنده‌ام را گرفتید؟ ملائکه می‌گویند: آری، جان فرزند بنده‌ات را گرفتیم. می‌فرماید: جان جگرگوشه‌اش را ستاندید؟ ملائکه می‌گویند: بله، جان جگرگوشه‌ی بنده‌ات را گرفتیم. پروردگار می‌فرماید: بنده‌ام چه گفت؟ ملائکه می‌گویند: حمد و ستایش تو گفت و گفت: إنا لله و إنا إليه راجعون. پروردگار می‌فرماید: خانه‌ای برای بنده‌ام در بهشت بسازید و آن را بیت الحمد بنامید.» و در اول کتاب جمله‌ای از احادیث صحیح در فضل گفتن: سبحان الله و الحمد لله و مانند آن آورده شد.

(فصل) متأخرین از علمای خراسانی ما فرموده‌اند: اگر کسی قسم بخورد که خدا را ستایش می‌کند به باشکوه‌ترین ستایش، طریقه‌ی به جا آوردن قسمش این است که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُوَافِي نِعْمَهُ وَ يُكَافِي مَزِيدَهُ: همه‌ی ستایش برای

خدای یکتاست ستایشی که نعمت‌های خدا را ملاقات نماید و حمد آن نعمت‌ها با آن ستایش حاصل شود. و ستایشی که شکر آنچه را که زیاد فرمود از نعمت‌ها و از احسان‌های بی‌شمار او بگذارد. بنابراین معنی یُوَافِي نِعْمَهُ: يُلَاقِي نِعْمَهُ فَتَحْصُلُ مَعَهُ. و معنی يَكْفِي مَزِيدَهُ: يَقُومُ بِشُكْرِ مَا زَادَهُ مِنَ النِّعَمِ.

همین علما گفتند که اگر کسی قسم خورد: لَيْثْنَيْنِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَحْسَنَ الثَّنَاءِ که بهترین ثنا و ستایش خدای تعالی را انجام دهد راه بیرون آمدنش از قسمش این است که بگوید: لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ. زَادَ بَعْضُهُمْ فِي آخِرِهِ: فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى: من نمی‌توانم ثنا و ستایش تو را آن چنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم. ثنای تو آن چنان است که خودت ثنای خود را گفتی و برای تو ستایش است تا تو راضی شوی.

و ابوسعید متولی صورت مسأله برای کسی که قسم یاد کرد که خدا را به بهترین ثنا بستاید کلمه‌ی سبحانک را در اوّل ثنا اضافه کرد به این صورت که بگوید: سُبْحَانَكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى: من تنزیه و تسبیح تو می‌گویم نتوانم ثنای تو را آن چنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم. ثنای تو همان است که خودت ثنای خودت فرمودی.

کتاب الصلاة على رسول الله ﷺ

کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛ «حقیقت این است که خدا و فرشتگانش درود می‌فرستند بر پیغمبرش، خاتم النبیین، ای مردمی که ایمان آورده‌اید درود بفرستید و سلام بفرستید سلامی که شایسته‌ی او باشد». و حدیث‌هایی که در خصوص فضل صلوات بر رسول الله ﷺ است و احادیثی که امر به صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ می‌کند بیشتر از آن است که به شمار آید و در این جا اشاره به چند حدیث از آن‌ها می‌نماییم تا دلالت دهد بر خیر آن و برای برکت یافتن کتاب از صلوات و سلام فرستادن بر خاتم النبیین علیه افضل الصلاة و اتم التسليم.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا).
«کسی که یک بار بر من درود بفرستد خدا ده بار بر او صلوات فرستد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا).
«کسی که درود فرستد بر من یک بار خدا درود فرستد بر او ده بار».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (أَوَّلَى النَّاسِ بِیَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ فرمود: «نزدیک‌ترین مردم در روز قیامت به من کسی است که بیشتر درود فرستد بر من».

ترمذی گفته است و در این باب (فضل صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ) احادیثی است به روایت عبدالرحمن بن عوف و عامر بن ربیع و عمار و ابی طلحة و انس و ابی بن کعب رضی الله عنهم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَابْنَ مَاجَهَ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثَرُوا عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ)، فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تَعْرِضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ، قَالَ: يَقُولُ: (بَلَيْتَ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «از بهترین روزهای شما روز جمعه است، در روز جمعه بسیار درود و صلوات بر من بفرستید که درود فرستادن بر من می‌رسد»، گفتند: یا رسول الله، درود ما به شما می‌رسد در حالی که جسدت پوسیده شده است. فرمود: «خدا بر زمین حرام فرمود که اجسام انبیا را پوسیده سازد». یعنی جسد انبیا نمی‌پوسد و انبیا علیهم السلام در قبرهایشان زنده هستند.

قُلْتُ: أَرَمْتُ بفتح همزة و راء و سکون میم و فتح تاء المخففة. قال الخطّابی: أَرَمْتُ: أَصْلُهُ أَرَمْتُ، یکی از دو میم حذف شده و این لغت بعضی از عرب است چنانکه گفته‌اند: ظَلَمْتُ: ظَلَلْتُ. و نظایر بسیار دارد. و غیرخطابی گفت: أَرَمْتُ: به فتح راء و به تشدید میم و سکون تاء، یعنی أَرَمْتُ الْعِظَامَ: استخوان‌ها پوسیده شد. و اقوال دیگری در آن هست. والله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ فِي آخِرِ كِتَابِ الْحَجِّ فِي بَابِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ بِإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: (لَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا وَصَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ)؛ «قبر مرا عید مسازید، یعنی اینکہ فقط نزد قبرم صلوات بر من فرستید، و من بر صلوات فرستید، زیرا کہ صلوات شما بہ من می‌رسد ہر جا کہ باشید».

وَرَوَيْنَا فِيهِ أَيْضًا بِإِسْنَادِ صَحِيحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَيْضًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: (مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَى رُوحِي حَتَّى أُرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ).
و باز ہم در سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ روایت داریم بہ اسناد صحیح از أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «ہر کسی کہ سلام بر من فرستد خداوند روحم را برمی‌گرداند تا جواب سلامش را بگویم».

بَابُ أَمْرِ مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَالتَّسْلِيمِ

بابی است در بیان این کہ ہر کسی کہ نام پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نزد او برده شود امر شدہ بہ او کہ صلوات و سلام بر ایشان بفرستد.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: (رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «بہ خاک مالیدہ شد بینی کسی کہ نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم:
(مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَىٰ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَىٰ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ عَشْرًا).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «کسی که نام من نزد او برده شد درود بر من بفرستد، برای اینکه هر کسی که یک بار درود بر من بفرستد خدا ده بار درود بر او می‌فرستد».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: (مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَىٰ فَقَدْ شَقِيَ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد در حقیقت بدبخت شده است».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: (الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَىٰ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد».

امام ابوعیسی ترمذی نزد این حدیث گفته است: که از بعضی از اهل علم روایت می‌شود که وقتی که شخصی در مجلسی یک بار درود بر رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرستاد تا مادامی که در آن مجلس است همان یک بار درود فرستادنش کافی است. این فرموده‌ی بعضی از اهل علم، احتمال دارد که در یک مجلس یک بار درود فرستادن کافی باشد و نفرموده است که اگر نام رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به تکرار یاد شد بیش از یک بار نمی‌خواهد، برای اینکه در احادیث متعدد استحباب درود فرستادن بر رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در هر باری است که نام شریف ایشان یاد شود و احتیاط این است که با هر بار شنیدن نام مبارک ایشان درود و سلام نثار ایشان شود. واللہ اعلم.

باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ

بابی است در بیان چگونگی درود فرستادن بر رسول الله ﷺ

پیش از این در کتاب «اذکار الصلاة» یاد کردیم که درود به چه لفظی باشد و اکمل صلوات و اقل صلوات هم آوردیم.

موقعی که از رسول الله ﷺ سؤال نمودند و گفتند: یا رسول الله خدا به ما امر فرمود تا درود بر تو بفرستیم، چگونه درود بر تو فرستیم؟ فرمود:

(قولوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

«بگویید خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد، چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم و برکت بینداز بر محمد و بر آل محمد، چنانکه برکت انداختی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم. در حقیقت بین همه‌ی جهانیان تو ستوده شده و به تعظیم یاد شده‌ای. حمد و تعظیم تو بر زبان همه‌ی کاینات جاری است».

وقتی که از خود حضرت رسول ﷺ به این لفظ وارد شده است، رعایت ادب با رسول الله ﷺ و تعظیم پیروی از ایشان این است که لفظ آن زیاد و کم نشود. ببینید امام درباره‌ی کلمه‌ی «و أَرْحَمُ مُحَمَّدًا». چه می‌فرماید:

امام نووی می‌فرماید: اما آنچه بعضی از علمای مذهب ما و ابن ابی زید مالکی گفته‌اند که زیاد شدن کلمه‌ی «و أَرْحَمُ مُحَمَّدًا و آلِ مُحَمَّدٍ» مستحب است، این بدعتی است که هیچ پایه‌ای ندارد و امام ابوبکر ابن العربی مبالغه فرموده است در شرح ترمذی بر انکار زیاد کردن آن کلمه (و ارحم محمداً) و فرموده است کسی که

این زیاده را بیاورد نادان است. فرمود برای اینکه خود رسول الله ﷺ به ما آموخته است که درود بر ایشان به چه لفظی بگوییم. بنابراین زیاد کردن در آن، نسبت قصور دادن به مقام رسالت است و استدلال بر اینکه جناب رسول الله ﷺ در تعلیم ما کوتاهی کرده است. با این حال هیچ شکی نیست که محافظت بر لفظ وارد از حضرت ختمی مرتبت عین صواب است و عدول از آن یا زیاد و کم کردن در آن به هیچ وجه مقرون به صواب نیست. اما با این حال بعضی از حفاظ خود رساله‌ای در انتخاب صلوات بر سید المرسلین دارند و باید دانست که ایشان در تشهد نماز هیچ وقت بر لفظ وارد چیزی نمی‌افزایند و در آن تغییری نمی‌دهند و گویا فکر کرده‌اند که در غیر نماز می‌شود الفاظی را انتخاب نمود، اما طریقه‌ی ما همان است که عرض کردیم که اکمل صلوات و احب صلوات همان است که در تشهد نماز گفته می‌شود. والله اعلم

(فصل) وقتی کسی درود بر رسول الله ﷺ می‌فرستد باید جمع نماید میان صلاة و سلام و اکتفا نکند بر صلاة تنها، مثل «صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ» و نه هم بر سلام تنها، مثل علیه السلام، بلکه صلاة و سلام هر دو بیاورد، مثل: رسول الله ﷺ.

(فصل) مستحب است برای کسی که حدیث می‌خواند یا غیر حدیث از آنچه در معنی حدیث است، آنکه هرگاه نام رسول الله ﷺ برده شد به آواز بلند صلوات و سلام بر ایشان بفرستد. اما در بلند کردن آواز به صلاة و سلام حد اعتدال را نگه دارد. از جمله علمایی که تصریح کرده‌اند بر بلند کردن آواز به صلوات و سلام: امام ابوبکر خطیب بغدادی و علمای دیگر است. امام نووی می‌فرماید: من این مطلب را به علوم حدیث نقل کرده‌ام. و علمای مذهب ما صریحاً فرموده‌اند که بعد از لتیک گفتن در حج و عمره آواز را برای فرستادن صلوات و سلام نیز بلند کنند، چنانکه لتیک گفتن را نیز به آواز بلند می‌گویند. والله اعلم.

باب استفتاح الدعاء بالحمد لله و الصلاة على النبي ﷺ

بابی است در بیان اینکه آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ﷺ بگشاید.

رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النَّسَائِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ لَمْ يَمَجِّدِ اللَّهَ تَعَالَى وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (عَجَلَ هَذَا) ثُمَّ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ أَوْ لِغَيْرِهِ: (إِذَا صَلَّي أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيدِ رَبِّهِ سُبْحَانَهُ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله ﷺ دعای مردی را شنید که در دعا نه ثنا و ستایش پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و نه درود و سلام بر رسول الله ﷺ فرستاد. فرمود: «این مرد شتاب کرد»، آنگاه او را به سوی خود خواند و به او و یا به دیگری فرمود: «هرگاه یکی از شما خواست دعا بکند اول تعظیم و ثنای پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و سپس درود و سلام بر پیغمبر بفرستد و سپس دعا کند به آنچه که می‌خواهد خدا به او بدهد».

وَ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى نَبِيِّكَ ﷺ.

عمر بن الخطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: دعا موقوف است میان آسمان و زمین، چیزی از آن به آسمان صعود نمی‌کند تا اینکه درود و سلام بر پیغمبرت ﷺ بفرستد.

امام نووی رَحِمَهُ اللَّهُ فرمود: اجماع علما بر مستحب بودن شروع دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است و همچنان ختم دعا به حمد و ثنای

خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است. و احادیث و آثار در این باب بسیار و معروف است. واللّٰه اعلم.

و معلوم است که هر جا صلواتی بر رسول اللّٰه ﷺ وارد شده است صلوات بر آل اطهار نیز با آن آمده است.

(باب الصلاة على الأنبياء و آلهم تبعاً لهم صلى الله عليهم و سلم)

بابی است در بیان درود فرستادن بر پیغمبران و بر آل شان به تبعیت از ایشان - درود و سلام خدا بر ایشان باد.

اجماع علما بر درود فرستادن بر پیغمبر ما محمد ﷺ است. و همچنین کسانی که اعتنا به سخن شان می شود اجماع نموده اند بر درست بودن و مستحب بودن صلوات بر همه ی پیغمبران و بر ملائکه به طور جداگانه و بدون تبعیت از دیگری و اما غیر انبیا جمهور علما بر آنند که صلوات به طور جداگانه بر آنان فرستاده نمی شود و گفته نمی شود: ابوبکر ﷺ. و در منع صلوات به طور جداگانه بر غیر انبیا اختلاف است که آیا حرام است یا مکروه است؟ بعضی از علمای ما گفته اند صلوات بر غیر انبیا حرام است و بیشتر علما بر آنند که صلوات بر غیر انبیا مکروه است، کراهت تنزیهی، برای اینکه صلوات بر غیر انبیا شعار اهل بدعت است و ما منع شده ایم از پیروی از شعار اهل بدعت. و مکروه عبارت از هر کاری است که منعی مقصود در آن آمده باشد، مثل مکروه بودن شستن هر عضوی از اعضای وضو بیش از سه بار. و مکروه هم بر دو قسم است: مکروه تنزیهی، مثل صلوات بر غیر انبیا و دست تکان دادن در وضو تا آب وضو از اعضا بریزد و مکروه تحریمی که ممکن است به حرام بکشد، مثل خوردن از مال کسی که مال حرام و حلال او به قدر هم است تا به آن جا

نکشد که از خوردن مال کسی که همه‌ی مالش حرام است پروا نکند. و مثل نظر کردن به بالای زانوی مرد بیگانه تا به آن جا نکشد که از نظر به جلو و پشت او پروا نکند. و حرام وقتی است که ضرر به دین برساند، مثل کلمه‌ی کفر یا ضرر به شرف برساند، مثل دشنام به زن و یا ضرر به عقل برساند، مثل شرب خمر یا ضرر به نسل برساند، مثل زنا و یا ضرر به مال برساند، مثل دزدی یا ضرر به نفس برساند، مثل قتل.

الحاصل: علمای ما گفته‌اند که صلوات در زبان سلف مخصوص شده است به انبیا صلوات الله و سلامه علیهم، چنانکه کلمه‌ی عزّ و جلّ اختصاص به خدای سبحانه و تعالی دارد، پس همان‌گونه که گفته نمی‌شود: محمد عزّ و جلّ، اگر چه محمد عزیز و جلیل و با شکوه است. همان‌گونه هم گفته نمی‌شود: ابوبکر یا علی صلی الله علیه و آله اگر چه معنایش صحیح است. و علما اتفاق دارند که صلوات بر غیر انبیا جایز است به تبعیت انبیا، چنانکه اللهم صلّ علی محمد و آله و صحبه و أزواجه و ذرّيته و أتباعه جایز است به دلیل حدیث‌های صحیحی که در این خصوص آمده است. و در تشهد نماز به آن مأمور شده‌ایم و سلف صالح در خارج از نماز هم صلوات بر آل و اصحاب و ازواج و ذرّیه و اتباع جایز دانسته‌اند. و اما معنای سلام، شیخ ابو محمد جوینی از علمای مذهب ما فرموده است که سلام در معنی صلوات است و برای غایب استعمال نمی‌شود و برای غیر انبیا گفته نمی‌شود و برای ابوبکر مثلاً گفته نمی‌شود: علیه‌السلام و در این مسأله اموات و احیا فرق نمی‌کند، اما بر شخص حاضر گفته می‌شود: سلامّ علیک یا سلامّ علیکم یا السلام علیک یا السلام علیکم و این موضوعی است که اجماع علما بر آن است و در ابوابی که تعلق به این موضوع دارد آورده می‌شود، إن شاء الله تعالی.

(فصل) مستحب است تَرْضَى و تَرْحُم بر صحابه و تابعین و کسانی که بعد

از ایشان آمده‌اند از علما و دانشمندان و عبّاد و دیگر بزرگان که گفته می‌شود

رضی الله عنه یا رحمه الله و مانند این. و اما قولی که بعضی از علما بر آنند که رضی الله عنه اختصاص به صحابه دارد و برای غیر از آنان فقط گفته می‌شود رحمه الله، آن چنان نیست که گفته‌اند و با ایشان موافقت نمی‌شود و رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و رحمه الله برای غیر صحابه نیز گفته می‌شود. اگر شخص خودش و پدرش هر دو صحابی باشند مثل ابن عباس، ابن جعفر، ابن الزبیر، و اسامة بن زید و مانند آنان گفته می‌شود رضی الله عنهما تا رضایت خدا شامل خودش و پدرش هر دو بشود.

(فصل) و اگر گفته بشود که هر وقتی که ذکر لقمان یا مریم شد، آیا باید صلوات بر ایشان فرستاد، مثل انبیا یا بر آنان تَرْضَى شود، مثل صحابه و اولیا یا اینکه گفته شود علیهما السلام؟ جواب این سوال این است که جماهیر علما بر آنند که این دو پیغمبر نبوده‌اند. و کسی که گفته است پیغمبر بوده‌اند شاذ است و التفاتی به گفته‌ی او نمی‌شود و به گفتارش اهمیتی داده نمی‌شود. نووی می‌فرماید که این مطلب را در کتاب «تهذیب الأسماء و اللغات» آورده‌ام. بعضی از علما درباره‌ی لقمان و مریم سخنی گفته‌اند که از آن دانسته می‌شود که گفته می‌شود: لقمان صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ و عَلَيْهِ و سَلَّمَ و یا مریم صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ و عَلَيْهَا و سَلَّمَ. برای اینکه مقام‌شان از مقام انبیاء کمتر است و از مقام کسانی که درباره‌شان گفته می‌شود رضی الله عنه بالاتر است به سبب اینکه در قرآن دلیل بالا بردن مقام‌شان وجود دارد. نووی می‌فرماید: آنچه من به آن عقیده دارم این است که باکی ندارد که گفتن رضی الله عنه درباره‌ی لقمان و مریم ارجح است، برای اینکه کلمه‌ی رضی الله عنه برای کسی است که پیغمبر نباشد و پیغمبر بودن لقمان و مریم به ثبوت نرسیده است. امام الحرمین نقل فرموده است که اجماع علما بر این است که مریم پیغمبر نیست و این را در کتاب ارشاد نوشته است. اگر وقتی برای لقمان یا مریم علیه السلام یا علیهما السلام گفته شود باکی ندارد. واللّٰه اعلم.

(کتاب الأذکار و الدعوات للأموار العارضات)

کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی

بدان که هر چه در باب‌های قبلی گفتیم در هر روز و شبی تکرار می‌شود بنابر آنچه یاد شد. و آنچه در این جا یاد می‌کنیم اذکار و دعواتی است که در اوقات به سبب‌های عارضی گفته می‌شوند و روی این اصل در بین آن‌ها ترتیب نمی‌خواهد.

(باب دعاء الإستخارة)

بابی است در بیان دعای استخاره

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ: (إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أُمْرِي وَآجِلِهِ - فَأَقْدِرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أُمْرِي وَآجِلِهِ - فَأَصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ رَضِّنِي بِهِ، قَالَ: وَيُسَمَّى حَاجَتَهُ).

رسول الله ﷺ استخاره و طلب خیراندیشی را به ما آموخت آن چنانکه سوره‌ی قرآن را به ما آموخت (برای اینکه دین مبین اسلام از این امت می‌خواهد که در همه‌ی امور خود روی دل را خود متوجه درگاه خدا سازند و همه کارهای خود را به مدد او رو به راه نماییم) رسول الله ﷺ می‌فرمود: «هر گاه یکی از شما قصد کاری

نمود دو رکعت نماز بخواند، غیر از نماز فرض، خواه دو رکعت به نیت نماز سنت استخاره یا هر سنتی دیگر، مثل سنت وضو، تحیت مسجد، نماز ضحی، قبلیه یا بعدیه فرض باشد، دو رکعت نماز بخواند آنگاه بگوید: خدایا طلب خیریت می‌نمایم از تو به علمت (که تو همه چیز می‌دانی و خیریت حالم را در این کاری که قصد آن نموده‌ام و نام کار خود را ببرد) و طلب توانایی می‌نمایم بر آن به مدد و قدرت و توانایی‌ات و از فضل عظیم تو می‌خواهم توفیق بر خیر در حاجاتم، برای اینکه تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانایی به پنهانی‌ها. خدایا اگر تو می‌دانی که این کار - که قصد آن را دارم - بهتر است و خیریت کارم در آن است و خیر دین و زندگی و عاقبت و حال و آینده‌ی کارم در آن است، پس آن را برایم مقدر کن و برکت بینداز در آن و اگر می‌دانی که این کار که قصد آن را دارم شرّ است برایم در دینم و زندگی و عاقبت کارم در حال حاضر و آینده‌ام پس آن را میسر مفرما و مرا از آن روگردان بساز تا دنبال کاری نروم که خیریت حالم در آن نیست. و آن جا که خیر حالم در آن است برایم مقدر فرما و مرا به آن خشنود گردان.»

و صلّی الله و سلّم علی سیدنا محمد و آله و صحبه و التابعین و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

علما فرموده‌اند مستحب است طلب خیراندیشی در کار خود به نماز دو رکعت و دعایی که یاد شد و این دو رکعت نماز سنت است و ظاهر این است که این دو رکعت حاصل می‌شود به دو رکعت قبلیه و بعدیه فرض و به تحیت مسجد و غیر از آن‌ها از نمازهای سنت نوافل. و در رکعت اولی سوره‌ی فاتحه و قل یا ایّها الکافرون می‌خواند. و در رکعت دوم فاتحه و قل هو الله أحد می‌خواند. اگر نماز برایش میسر نبود استخاره به همین دعا نماید و مستحب است افتتاح آن دعا به حمد و ستایش خدا و صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ. پس از آن

باید دانست که استخاره مستحب است در همه‌ی کارها، چنانکه نصّ حدیث بر آن دلالت داد. و موقعی که استخاره نمود بعد از استخاره هر کاری که دلش با آن شاد شد انجام دهد. و الله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ ضَعَّفَهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ الْأَمْرَ قَالَ: (اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَاخْتَرْ لِي).
رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه قصد کاری می نمودند می فرمود: «خدایا خیریت حالم و آنچه در آن خیریت احوال من است برایم میسر فرما».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (يَا أَنَسُ إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَأَسْتَخِرْ رَبَّكَ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ انْظُرْ إِلَى الَّذِي سَبَقَ قَلْبَكَ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ) إِسْنَادُهُ غَرِيبٌ، فِيهِ مَنْ لَا أَعْرَفُهُمْ.
رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به انس فرمود: «ای انس وقتی که قصد کاری نمودی هفت بار از پروردگارت خیر آن را بخواه، سپس ببین کدام چیز در دلت سبقت می گیرد، انجام دادن یا ندادن. هر چه دلت گواهی بر خیریت آن داد آن کار را انجام بده». نووی گفته است: حدیث ضعیف است. در روایت کنندگان حدیث، کسانی هستند که آنان را نمی شناسم. والله اعلم.

(باب الأذکار التي تقال في أوقات الشدة و على العاهات)

بابی است در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می شود.

(باب دعاء الكرب و الدعاء عند الأمور المهمة)

بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبُّ الْأَرْضِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ). وَ فِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ قَالَ ذَلِكَ.

رسول الله ﷺ هر موقع که اندوهی به او دست می‌داد یا کار مهمی پیش می‌آمد یا سختی و شدتی به او رو می‌کرد می‌فرمود: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بسیار بردبار است. نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است. نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب آسمان‌ها و زمین و صاحب عرش عظیم است». و در روایت از مسلم آمده است که: پیامبر ﷺ هرگاه دچار امر دشواری می‌شد آن دعا را می‌خواند.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ إِذَا كَرِبَهُ أَمْرٌ قَالَ: (يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ). قَالَ الْحَاكِمُ هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادُ.

رسول الله ﷺ هرگاه سختی و اندوهی برایش پیش می‌آمد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای کسی که کاینات را تدبیر می‌کنی، به رحمتت فریادرسی می‌نمایم». یعنی تا رحمت مرا دریابد و از مشکلاتم برهاند.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا هَمَّهُ الْأَمْرُ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: (سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ) وَ إِذَا أَجْتَهَدَ فِي الدُّعَاءِ قَالَ: (يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ).

رسول الله ﷺ عادت داشت که هرگاه چیزی او را اندوهگین می‌کرد سر را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: «منزه و پاک است الله بسیار بزرگوار». هرگاه کوشش در دعا می‌کرد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای تدبیرکننده‌ی کاینات».

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيَّ الْبُخَارِيَّ وَمُسْلِمَ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ أَكْثَرُ دَعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ: (اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ). زاد مسلم في روايته وكان أنس إذا أراد أن يدعُو بدعوة دعا بها فإذا أراد أن يدعُو بدعاء دعا بها فيه.

بیشترین دعای رسول الله ﷺ این بود: «خدایا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ»، همین دعا با این اختصار جامع خیرات دنیا و آخرت است. کسی که در دنیا خوشی داده شد و در آخرت خوشی داده شد و از عذاب دوزخ نگه داشته شد، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را به دست آورده است. و انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خدمتکار رسول الله ﷺ بود هر وقت می‌خواست دعا بکند همین دعا را می‌کرد و اگر می‌خواست دعای بیشتری بنماید این دعا را در آن قرار می‌داد. که از این دعا هیچ کس بی‌نیاز نخواهد شد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ النَّسَائِيَّ وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَقَّنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَأَمَرَنِي أَنْ نَزَلَ بِي كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ أَنْ أَقُولَهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وكان عبد الله بن جعفر يُلَقِّنُهَا وَيَنْفُثُ بِهَا عَلَى الْمُوْعُوكِ وَالْمُغْتَرِبَةِ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي تَزَوَّجَ إِلَى غَيْرِ أَقَارِبِهَا.

علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: رسول الله ﷺ به من این کلمات را آموخت و به من دستور داد اگر در اندوه یا سختی قرار گرفتیم این کلمات را بگوییم: «نیست معبودی به حق مگر

اللّٰه که بسیار بزرگوار و بردبار است، منزّه است خدای یکتایی که پر شد برکت او، پروردگار همه، صاحب عرش عظیم، همه‌ی ستایش‌ها برای اللّٰه پروردگار جهانیان است». عبداللّٰه بن جعفر این دعا را آموخت و می‌خواند بر کسی که تب داشت و تعلیم می‌داد به هر زنی که با خانواده‌ی غریب ازدواج کرده بود.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (دَعَا تُ الْمَكْرُوبِ: اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ). رسول اللّٰه ﷺ فرمود: «دعای کسی که به سختی افتاده است این است که بگوید: خدایا امیدوار رحمتت هستم، مرا به خودم واگذار مفرما یک چشم به هم زدن، و کارهایم همه برایم شایسته بفرما. نیست معبودی به حق مگر تو». یعنی امیدوار رحمتت هستم، مرا به خودت واگذار و کارهایم را رو به صلاح قرار ده، برای اینکه نیست معبودی به حق مگر تو. و همچنین نیست فریادرسی که مرا از غم و اندوه و سختی نجات دهد. خودت مرا مورد رحمتت قرار ده و کارهایم را رو به راه کن.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ تَقُولِينَ عِنْدَ الْكَرْبِ - أَوْ فِي الْكَرْبِ - اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا).

رسول اللّٰه ﷺ به اسماء بنت عمیس رضی اللّٰه عنہا فرمود: «آیا نیاموزم تو را چند کلمه که نزد سختی یا وقتی که در سختی واقع شدی آن کلمات را بگویی و از سختی‌های یابی؟ آن کلمات از این قرار است: اللّٰه اللّٰه، پروردگار من است، هیچ چیز را شریک او نمی‌سازم». یعنی اینکه انسان در سختی است و راه چاره‌ای نیست مگر رو آوردن به خدای متعال. می‌گوید: همه چیز من اللّٰه است. اللّٰه پروردگار من است.

پروردگار خودم را می‌شناسم و هیچ شریکی برای او نمی‌سازم. او کارگشای کارهای
 گره‌شده‌ی من است. خدایی که پرورده‌ی نعمت او هستم، مرا تنها نمی‌گذارد و رفع
 سختی از من می‌نماید.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (مَنْ قَرَأَ
 آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ عِنْدَ الْكَرْبِ أَغَاثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که موقع افتادن در سختی آیه‌ی الکرسی و سه آیه‌ی
 آخر سوره‌ی بقره را بخواند، خداوند عزوجل به فریادش می‌رسد و او را از سختی
 نجات می‌دهد». آیه‌ی الکرسی، آیه‌ی ۲۵۵ سوره‌ی بقره است و خواتیم سوره‌ی بقره:
 آیات ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ است.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: (إِنِّي لَأَعْلَمُ
 كَلِمَةً لَا يَقُولُهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا فُرِّجَ عَنْهُ: كَلِمَةُ أَخِي يُونُسَ عليه السلام: ﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ: أَنُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾. الانبياء: ۸۷

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «من یک
 کلمه‌ای می‌دانم که هر کسی که در رنج و سختی افتاده است آن را بگوید فرج در
 کارش می‌آید و از سختی نجات می‌یابد. آن کلمه: دعای برادرم یونس عليه السلام است
 که وقتی در تاریکی شب و تاریکی قعر دریا و تاریکی شکم قرار گرفته بود رو به خدا
 کرد و در آن تاریکی‌ها ندا برآورد: نیست معبودی به حق مگر تو، ای چاره‌ساز
 خلاق، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم، من از ستمگران به خود بودم که فرمان تو را
 خلاف نمودم و اکنون به این روز افتاده‌ام و راهی ندارم مگر استغاثه و چاره‌جویی. به
 فریادم برس و مرا از این مهلکه نجات بخش». در آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی انبیاء آمده است:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾. «دعایش را به اجابت رسانیدیم و او را از غم نجات دادیم و این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم».

و راوه الترمذی عن سعد قال: قال رسول الله ﷺ: (دَعْوَةُ ذِي النُّونِ إِذْ دَعَا رَبَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا أَسْتَجَابَ لَهُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «دعای یونس علیه السلام موقعی که دعا کرد و او در شکم ماهی بزرگ بود، عبارت بود از: نیست معبودی به حق مگر تو، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم که هیچ عیب و نقصی در درگاه تو نیست. اعتراف می‌کنم که از ستمگران به خودم بودم که بدون اجازه‌ی تو از شهر بیرون آمدم و اکنون خود را در تاریکی‌ها قرار دادم و فریادرسی ندارم به جز تو. خدا دعایش را به اجابت رسانید و او را نجات داد. رسول الله ﷺ فرمود: هر بنده‌ی مسلمانی که در چیزی از مصائب و مشکلات قرار گرفته باشد و این دعا را بخواند خدا دعایش را به اجابت می‌رساند».

(باب ما یقولُهُ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ أَوْ فَرِعَ)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ قَالَ: (هُوَ اللَّهُ، اللَّهُ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ).

رسول الله ﷺ هرگاه دچار ترس از چیزی یا دچار ناراحتی می‌شد می‌فرمود: «اوست خدای یکتا، خدای یکتا پروردگار من است، نیست شریکی برای او».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَزَعِ كَلِمَاتٍ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ) وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَأَعْلَقَهُ عَلَيْهِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

عمر بن شعیب از پدرش شعیب روایت می‌کند که پدرش شعیب از جدّ عمرو، یعنی عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله ﷺ به ایشان آموخت کلماتی که با خواندن آن کلمات خود را از ترس و فزع و ناراحتی حفظ کند آن کلمات از این قرار است: «پناه می‌برم به کلمات الله التامّه از خشم او تعالی و از شرّ بندگان و از شرّ وسوسه‌ی شیطان‌ها و از اینکه نزد او حاضر شوند برای وسوسه و آسیب رسانی». عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما هر کدام از فرزندان که فهم می‌کرد آن کلمات را به او تعلیم می‌داد و هر یک از فرزندان که خردسال بود و فهم نمی‌کرد آن کلمات را می‌نوشت و بر او می‌آویخت. و این می‌رساند که تعویذ وقتی که از آیه‌های قرآن یا از حدیث رسول الله ﷺ باشد برای کودکان مانعی ندارد.

(بَابُ مَا يَقُولُهُ إِذَا أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنَنِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ فَلْيَدْعُ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ: أَنَا عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمِّتِكَ، فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بَيْدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ أَوْ أُنْزِلَتْهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمٍ

الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ صَدْرِي وَ رَيْعَ قَلْبِي وَ جَلَاءَ حُزْنِي وَ ذَهَابَ هَمِّي، فَقَالَ
رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمَغْبُورَ مَنْ غَبِيَ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ، فَقَالَ: (أَجَلٌ فَقُولُوا هُنَّ وَ
عَلِّمُوهُنَّ، فَإِنَّهُ مَنْ قَاهَنَ أَلْتَمَسَ مَا فِيهِنَّ أَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى حُزْنَهُ وَ أَطَالَ فَرَحَهُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که به او رسید اندوه یا دلخوری به این چند کلمه
دعا نماید و بگوید: خدایا من بنده‌ی تو هستم، پسر بنده‌ی تو هستم، پسر کنیز تو
هستم، در قبضه‌ی تو هستم، یعنی در اختیار تو هستم و نمی‌توانم از فرمان تو
بیرون روم. پیشانی من در دست توست، فرمان تو بر من نافذ است، حکم تو درباره‌ی
من عدل است. از تو می‌خواهم به برکت هر اسمی که برای توست که خود را به آن
نامیدی یا در کتاب خود آن نام را آوردی یا به کسی از مخلوقات خود آموختی یا
اینکه آن را به خود اختصاص دادی و در علم غیب نزد خودت می‌باشد. به همه‌ی
این‌ها متوسلَم که قرآن را نور سینه‌ام قرار دهی و بهار دلم نمایی و رفتن اندوهم به
آن مقرر فرمایی و رفتن هم و غم به آن فراهم فرمایی»، مردی از بین جماعت گفت:
مغبون و فریفته شده کسی است که از این دعا محروم شود. رسول الله ﷺ فرمود:
«بله، کسی که از آن محروم شود مغبون و فریفته شده است، بنابراین این دعا را
بخوانید و بگویید و آن را به بستگان خود بیاموزید که هر کسی که این دعا را بگوید و
بخواهد آنچه از خیر و برکت در آن است، خدای متعال اندوه او را از بین ببرد و
شادمانیش را طولانی بگرداند».

(باب ما یقوله إذا وقع فی هلكة)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (يَا عَلِيُّ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ قُلْتَهَا؟) قُلْتُ: بَلَى، جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاءَكَ. قَالَ: (إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَصْرِفُ مَا شَاءَ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ) قُلْتُ الْوَرْطَةُ هِيَ الْهَلَاكُ.

علی عليه السلام فرمود که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «ای علی کلماتی به تو بیاموزم که هر وقت در هلاکت و مخاطره واقع شدی آن را بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟» گفتم: بلی یا رسول الله، خدا مرا فدای تو گرداند! فرمود: «هر وقت در هلاکت و امر پر خطری واقع شدی بگو: به نام خدای یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره‌ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک خدای بسیار بلند مرتبه‌ی بسیار بزرگوار. که خدای متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع می‌فرماید». نووی فرمود: وَرْطَةٌ به معنی هلاکت است.

(باب ما یقول إذا خاف قوما)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النَّسَائِي عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: (اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ).
رسول الله صلى الله عليه وسلم وقتی که از مردمی می‌ترسید [که فتنه‌ای به پا کنند یا آسیبی به مسلمانان برسانند] می‌فرمود: «خدایا ما نیروی تو را سپر دفاع از شر آنان قرار